آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۴۷۱
شنبه
۲۱ • ۰۶ • ۱۴۰۵
۳۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ / ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶

گـــزارش

فروش نان بالاتر از نرخ مصوب ممنوع

تغییر وضعیت برخی نانوایی‌ها و جمع‌آوری دستگاه‌های «نانینو» در هفته‌های اخیر این پرسش را ایجاد کرده که کدام واحدها مجوز آزادپزی دارند و تکلیف نانوایی‌هایی که خارج از محدوده‌های اعلام‌شده دستگاه خود را جمع کرده‌اند چیست؟

قاسم نوده‌فراهانی - رئیس اتاق اصناف ایران - در گفت‌وگو با ایسنا، درباره آزادپز شدن برخی نانوایی‌ها، جمع‌آوری دستگاه‌های «نانینو» در مناطقی خارج از محدوده‌های تعیین‌شده و عرضه نان گران‌تر با ابعاد کوچک‌تر، اظهار کرد: ما سالیان سال است که در حوزه نان با مسائل مختلفی درگیر هستیم و این موضوع مربوط به امروز یا دو سه سال اخیر نیست. وی افزود: اخیرا براساس بررسی و آنالیزی که خود نانوایان ارائه کردند، قیمت نان تصویب و ابلاغ شد. بنابراین نانوایان باید نان را با همان قیمت در اختیار مردم قرار دهند. این نرخ به آنها اعلام شده و نظر خود نانوایان نیز در تعیین آن دریافت شده است؛ در نتیجه باید نان را با همان قیمت مصوب بفروشند. رئیس اتاق اصناف ایران با اشاره به دو برابر شدن قیمت نان گفت: با توجه به این افزایش قیمت، دیگر حرفی برای رعایت نکردن نرخ مصوب باقی نمی‌ماند. البته ممکن است طی ماه‌های آینده تغییراتی ایجاد شود و راه درخواست بازنگری نیز بسته نیست. نانوایان می‌توانند تقاضای خود را ارائه کنند تا موضوع بار دیگر بررسی و کارشناسی و در صورت لزوم نرخ جدیدی تعیین شود.

وی تاکید کرد: اینکه نانوایان یک نرخ دریافت کنند، اما آن را رعایت نکنند و هر فرد هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، پذیرفتنی نیست. در چنین شرایطی، مو قانون اجرا و برخورد تعزیراتی انجام خواهد شد.

رئیس اتاق اصناف ایران از نانوایان خواست برای اینکه مشمول جرایم سنگین نشوند، فعلانان را با همان قیمت تعیین‌شده به مردم عرضه کنند و گفت: پس از گذشت یک، دو یا سه ماه، شرایط را ارزیابی کنند و اگر همچنان با مشکل مواجه بودند، مسیر درخواست بازنگری باز است.

گزارش تخلفات نانوایی‌ها

نوده‌فراهانی مردم را بازوی کمکی دستگاه‌های نظارتی دانست و گفت: اگر مردم به نانوایی مراجعه کردند و متوجه شدند دستگاهی که باید به‌دلیل دریافت آرد یارانه‌ای در آن واحد وجود داشته باشد، جمع‌آوری شده یا در دسترس نیست، می‌توانند موضوع را به اتاق اصناف گزارش کنند. مسیر گزارش‌دهی در اختیار همه مردم است و پس از ثبت شکایت نیز مطابق قوانین و مقررات، کد رهگیری در اختیار فرد قرار می‌گیرد تا بتواند موضوع را پیگیری کند.

رئیس اتاق اصناف ایران ادامه داد: ما از مردم کمک می‌خواهیم. همان‌طور که گفتم، نمی‌توان بالای سر هر واحد صنفی یک نفر را به عنوان بازرس قرار داد؛ اما هر یک از مردم می‌توانند برای مسئولان یک بازرس باشند و تخلفات را اطلاع دهند. اگر مجموعه‌ای به مردم اجحاف می‌کند یا مرتکب گران‌فروشی و کم‌فروشی می‌شود، مردم می‌توانند آن را گزارش کنند تا بازرسان بلافاصله موضوع را بررسی و با متخلف برخورد کنند.

سه تذکر به نانوایان متخلف

رئیس اتاق اصناف ایران درباره نحوه برخورد با نانوایی‌های متخلف توضیح داد: برنامه به این صورت است که سه بار به نانوا تذکر داده می‌شود؛ یعنی سه مرتبه از او درخواست می‌کنیم که ضوابط را رعایت کند. اگر پس از این سه تذکر همچنان توجهی نکند، پروانه کسب نانوایی باطل و مجوز به نانوای دیگری داده می‌شود.

نوده‌فراهانی با بیان اینکه متقاضی دریافت پروانه نانوایی زیاد است، از نانوایان خواست مراقب باشند کارشان به برخورد قانونی و ابطال پروانه کسب منجر نشود.

نوده‌فراهانی درباره نحوه برخورد با نانوایی‌های متخلف توضیح داد: برنامه به این صورت است که سه بار به نانوا تذکر داده می‌شود؛ یعنی سه مرتبه از او درخواست می‌کنیم که ضوابط را رعایت کند. اگر پس از این سه تذکر همچنان توجهی نکند، پروانه کسب نانوایی باطل و مجوز به نانوای دیگری داده می‌شود. وی با بیان اینکه متقاضی دریافت پروانه نانوایی زیاد است، از نانوایان خواست مراقب باشند کارشان به برخورد قانونی و ابطال پروانه کسب منجر نشود.

گلایه نانوایان از اجاره بها

رئیس اتاق اصناف ایران درباره گلایه نانوایان از متناسب نبودن قیمت نان با هزینه‌های تولید و اجاره‌بها اظهار کرد: برای اجاره‌بهای واحدهای نانوایی ضابطه‌ای تعیین شده است که براساس آن، اجاره‌بهای این واحدها هر سال می‌تواند ۲۵ درصد افزایش یابد؛ با این حال، اکنون بسیاری از نانوایی‌ها به‌صورت استیجاری اداره می‌شوند. وی ادامه داد: در بسیاری از موارد، مالک نانوایی اصلاً در محل حضور ندارد و واحد را اجاره داده و اجاره‌بهای آن را دریافت می‌کند. وقتی اجاره‌بهای واحد بالا باشد، نانوایی که آن را اجاره کرده ممکن است برای تأمین اجاره‌بها و هزینه زندگی خانواده خود، به سمت تخلف، گران‌فروشی یا کم‌فروشی سوق داده شود. فردی که نانوایی را اجاره می‌دهد، نباید تصور کند که نانوا درآمد نامحدودی دارد. مالک می‌داند که آن واحد چه تعداد نان تولید می‌کند و درآمد آن چقدر است؛ بنابراین باید محاسبه کند چه میزان از درآمد باید به‌عنوان اجاره‌بها به مالک پرداخت شود و چه مقدار برای نانوا باقی بماند.

وی در ادامه تاکید کرد: در این زمینه نیز باید وجدان کاری را در نظر گرفت. اگر نانوا مجبور باشد مبلغی بیش از توان واقعی خود به‌عنوان اجاره‌بها بپردازد، این پول در نهایت از حقوق مردم تأمین می‌شود؛ یعنی نانوا آن را از مردم می‌گیرد و به مالک پرداخت می‌کند. رعایت انصاف در این زمینه به انسانیت، گذشت و مردانگی نیاز دارد.

درخواست بازنگری در نرخ نان

نوده‌فراهانی گفت: اگر نانوایان پس از مدتی همچنان با مشکل مواجه بودند، موضوع را اعلام کنند تا درباره آن گفت‌وگو کنیم. وزارت کشور، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان جهاد کشاورزی و شرکت بازرگانی دولتی و غله، مجموعه‌هایی هستند که درباره نان تصمیم‌گیری می‌کنند. موضوع به این دستگاه‌ها ارائه و در صورت تأیید، نرخ جدیدی دریافت می‌شود. رئیس اتاق اصناف ایران تأکید کرد: پذیرفتنی نیست که نرخ نان با نظر خود نانوایان تعیین و اعلام شود و آنها دوباره آن را رعایت نکنند و مرتکب گران‌فروشی شوند. این وضعیت دیگر برای دولت و مردم قابل قبول نیست.

«آرمان ملی» درباره اهمیت تامین خوراک پتروشیمی‌ها در بحران کسری گاز گزارش می‌دهد

پتروشیمی در تنگنای گاز

آرمان ملی- صدیقه بهزادپور: در حالی که این محدودیت گاز مسأله‌ای که این روزها در صدر رسانه‌های کشور قرار دارد، اهمیت تامین خوراک پتروشیمی‌ها به خصوص با توجه به اهمیتی که در ارزآوری آن در بحبوحه شرایط دشوار تحریم و محاصره اقتصادی، دارد بسیاری از صاحبنظران بر این باور هستند که؛ کاهش یا قطع خوراک گاز مجتمع‌های پتروشیمی، فقط به معنای توقف موقت فعالیت چند واحد صنعتی نیست. هرگاه یک مجتمع به دلیل محدودیت انرژی از مدار تولید خارج می‌شود، زنجیره‌ای از پیامدها از کاهش تولید و صادرات گرفته تا افت درآمد ارزی، افزایش هزینه‌های عملیاتی و از دست رفتن بازارهای صادراتی شکل می‌گیرد. بنابراین مسئله گاز پتروشیمی را نمی‌توان صرفاً در چارچوب مدیریت مصرف زمستانی یا رفع یک ناترازی کوتاه‌مدت بررسی کرد.

تامین گاز پتروشیمی

به گزارش «آرمان ملی»، علی بختیار نماینده ادوار مجلس در این باره گفت: واقعیت این است که شکاف میان تولید و مصرف گاز در کشور، طی سال‌های اخیر به تدریج به یک چالش ساختاری تبدیل شده است. رشد مصرف داخلی، فرسودگی بخشی از زیرساخت‌ها، محدودیت سرمایه‌گذاری در توسعه میادین و افزایش نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی به گاز، شرایطی ایجاد کرده که در دوره‌های اوج مصرف، صنایع بزرگ ناچار به تحمل محدودیت‌های جدی می‌شوند. این مسئله به خصوص با توجه به حملات دشمن در جنگ اخیر به تاسیسات انرژی کشور، محدودیت‌های موجود در این عرصه را چند برابر کرده است. او افزود: در چنین شرایطی، قطعاً ادامه سیاست‌های گذشته نمی‌تواند پاسخگوی نیاز صنعت باشد. اگر قرار باشد پتروشیمی همچنان یکی از پایه‌های اصلی صادرات غیرنفتی ایران باقی بماند، تأمین پایدار خوراک آن باید به عنوان بخشی از سیاست امنیت انرژی کشور تعریف شود، نه موضوعی که صرفاً هنگام افزایش مصرف خانگی یا تشدید ناترازی مورد توجه قرار گیرد.

خوراک پتروشیمی‌ها

او درباره اهمیت تامین گاز و محدودیت‌های واردات گاز در این روزها گفت: موضوع استفاده از ظرفیت کشورهای شمالی ایران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. واردات گاز از کشورهای همسایه شمالی، از جمله ترکمنستان و ارمنستان، می‌تواند یکی از گزینه‌هایی باشد که در کنار سایر راهکارهای افزایش تولید داخلی، برای کاهش فشار بر شبکه گاز کشور مورد بررسی قرار گیرد. البته این راهکار نباید به عنوان جایگزینی برای توسعه منابع داخلی تلقی شود؛ بلکه می‌تواند در قالب یک سیاست مکمل، بخشی از نیازهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت کشور را پوشش دهد. بختیار تاکید کرد: اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که واردات گاز را فقط از نظر تأمین مصرف خانگی و... بررسی نکنیم. البته ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود در نقطه‌ای قرار گرفته که می‌تواند از ظرفیت ترانزیت انرژی نیز بهره بگیرد. اتصال منابع گازی شمال و شمال شرق به بازارهای مصرف و صنایع داخلی، در صورت طراحی درست قراردادها و زیرساخت‌ها، می‌تواند فراتر از یک معامله ساده خرید گاز باشد و به شکل‌گیری یک مدل گسترده‌تر همکاری انرژی در منطقه منجر شود.

گاز خانگی یا صنایع؟

این نماینده ادوار مجلس اضافه کرد: تامین خوراک گاز برای صنعت پتروشیمی اهمیت مضاعفی دارد، چراکه مجتمع‌های پتروشیمی به خوراک پایدار نیاز دارند و توقف‌های مکرر، علاوه بر کاهش تولید، هزینه‌های قابل توجهی به شرکت‌ها تحمیل می‌کند. یک واحد صنعتی بزرگ نمی‌تواند با همان منطقی اداره شود که مصرف‌کننده خانگی در دوره محدودیت گاز مدیریت می‌شود، چون سرمایه‌گذاری انجام‌شده در این واحدها، قراردادهای صادراتی، تعهدات ارزی، نیروی انسانی و ارتباط آنها با صنایع پایین‌دستی، همگی باعث می‌شود استمرار تولید به یک ضرورت اقتصادی تبدیل شود. در واقع، اگر سیاست انرژی کشور صرفاً بر این مبنا باشد که در زمان کمبود، مصرف صنایع محدود شود تا شبکه خانگی پایدار بماند، ممکن است در ظاهر یک بحران کوتاه‌مدت مدیریت شود، اما در بلندمدت هزینه‌های اقتصادی دیگری شکل خواهد گرفت. کاهش تولید پتروشیمی یعنی کاهش صادرات، کاهش عرضه مواد اولیه صنایع پایین‌دستی و در نهایت فشار بیشتر بر درآمدهای ارزی کشور. بختیار افزود: از این رو، سیاست‌گذار باید میان «مدیریت مصرف» و «مدیریت تولید» تفاوت قائل شود. مدیریت مصرف زمانی مؤثر است که بخشی از مصرف غیرضروری یا کم‌بازده کاهش یابد، اما محدود کردن صنعتی که برای اقتصاد کشور ارزش افزوده و درآمد ارزی ایجاد می‌کند، الزاماً به معنای مدیریت صحیح انرژی نیست. در چنین شرایطی ممکن است هزینه‌ای که برای حفظ چند واحد مصرف در کوتاه‌مدت صرفه‌جویی می‌شود، در بخش دیگری از اقتصاد چند برابر بازگردد.

اهمیت پتروشیمی

این نماینده سابق مجلس با تاکید بر اینکه؛ پتروشیمی در اقتصاد ایران فقط مجموعه‌ای از کارخانه‌ها نیست، افزود: این صنعت حلقه واسط میان منابع هیدروکربوری و طیف وسیعی از محصولات صنعتی است. از مواد اولیه پلاستیک و بسته‌بندی گرفته تا محصولات شیمیایی و مواد مورد استفاده در صنایع مختلف، بخش قابل توجهی از زنجیره تولید کشور به فعالیت این صنعت وابسته است. بنابراین هر اختلال جدی در تأمین خوراک پتروشیمی می‌تواند آثار خود را به بخش‌های دیگری از اقتصاد نیز منتقل کند. او ادامه داد: هدف اصلی باید ایجاد یک سبد متنوع برای تأمین انرژی باشد تا صنعت کشور در برابر یک اختلال در یک منبع یا یک مسیر خاص، دچار توقف گسترده نشود، اما در کنار مسأله تأمین خوراک، یک موضوع مهم دیگر نیز وجود دارد و آن آینده صنایع پایین‌دستی پتروشیمی است. صادرات مواد اولیه و محصولات پایه، هرچند درآمد قابل توجهی ایجاد می‌کند، اما بیشترین ارزش افزوده الزاماً در همین مرحله ایجاد نمی‌شود. هرچه زنجیره تولید به سمت محصولات نهایی و تخصصی‌تر حرکت کند، ظرفیت ایجاد اشتغال، درآمد و ارزش افزوده نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

مدیریت بحران

نماینده سابق مجلس توضیح داد: به همین دلیل، تأمین گاز پایدار برای پتروشیمی نباید هدف نهایی سیاست‌گذار باشد. هدف باید ایجاد یک زنجیره کامل تولید باشد؛ زنجیره‌ای که از تأمین خوراک آغاز شود، در مجتمع‌های پتروشیمی ادامه پیدا کند و در صنایع پایین‌دستی به محصولات با ارزش افزوده بالاتر برسد. در چنین مدلی، هر واحد گاز مصرف‌شده می‌تواند چند مرحله ارزش اقتصادی ایجاد کند. این تحلیلگر بازار انرژی افزود: این نگاه همچنین ضرورت سرمایه‌گذاری بیشتر در زیرساخت‌های گاز را برجسته می‌کند. کشور نمی‌تواند از یک سو بر توسعه صنایع گازمحور تأکید کند و از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در تولید، انتقال، ذخیره‌سازی و بهینه‌سازی شبکه را در اولویت دوم قرار دهد. هرگونه توسعه صنعتی بدون پشتوانه انرژی پایدار، در نهایت به ایجاد ظرفیت‌های اسمی تبدیل می‌شود که در زمان بحران امکان استفاده کامل از آنها وجود ندارد.

اصلاح الگوی مصرف

او با تاکید بر اینکه؛ حل ناترازی گاز تنها با افزایش تولید امکان‌پذیر نیست، گفت: بخش قابل توجهی از مسئله به نحوه مصرف، راندمان تجهیزات و میزان اتلاف انرژی بازمی‌گردد. اگر مصرف در بخش‌های مختلف کنترل نشود، حتی افزایش تولید نیز ممکن است در مدت کوتاهی توسط رشد تقاضا جذب شود. بنابراین اصلاح الگوی مصرف و افزایش بهره‌وری باید همزمان با توسعه منابع و زیرساخت‌ها دنبال شود. او معتقد است: پتروشیمی نیز باید از نگاه صرفاً مصرف‌کننده انرژی خارج شود. این صنعت در صورت برخورداری از خوراک پایدار، می‌تواند یکی از منابع اصلی تأمین ارز کشور باشد و به کاهش وابستگی اقتصاد به صادرات خام کمک کند. بنابراین منطقی است که تأمین انرژی آن در چارچوب یک نگاه اقتصادی بلندمدت مورد ارزیابی قرار گیرد.

حذف از میدان رقابت

بختیار افزود: واقعیت این است که ادامه وضعیت موجود، هزینه فرصت بالایی برای اقتصاد ایران خواهد داشت. هر دوره محدودیت گاز ممکن است بخشی از تولید را متوقف کند، اما آثار آن به همان دوره محدود نمی‌شود. بازار صادراتی که یک بار از دست برود، الزاماً به آسانی بازنمی‌گردد و مشتری خارجی ممکن است برای تأمین پایدار کالا به سراغ رقیب برود. از این رو، ثبات تولید به اندازه افزایش ظرفیت تولید اهمیت دارد. او تاکید کرد: پتروشیمی برای عبور از این وضعیت نیازمند یک راهکار واحد و مقطعی نیست؛ مجموعه‌ای از تصمیم‌های به‌هم‌پیوسته باید در دستور کار قرار گیرد. افزایش ظرفیت تولید گاز، کاهش هدررفت، اصلاح مصرف، توسعه خطوط انتقال، ایجاد ظرفیت ذخیره‌سازی، استفاده حساب‌شده از واردات و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، اجزای یک سیاست جامع برای تأمین امنیت انرژی هستند.

جبران کسری گاز

بختیار درباره ضرورت‌های واردات گاز گفت: واردات گاز از کشورهای شمالی را می‌توان نه یک عقب‌نشینی، بلکه ابزاری برای تکمیل سبد انرژی کشور دانست؛ مشروط بر آنکه با قراردادهای اقتصادی مناسب، برنامه مشخص و نگاه بلندمدت همراه باشد. اگر این ظرفیت در کنار توان داخلی و موقعیت ترانزیتی ایران قرار گیرد، می‌تواند از یک راهکار برای جبران کسری گاز فراتر رفته و به بخشی از راهبرد تبدیل ایران به مرکز مبادلات انرژی منطقه تبدیل شود. بختیار معتقد است: مسئله امروز دیگر فقط این نیست که گاز کافی برای مصرف داریم یا نه، پرسش اساسی‌تر این است که با منابع و موقعیت انرژی کشور چگونه می‌توان بیشترین ارزش اقتصادی را ایجاد کرد. پاسخ به این پرسش، نیازمند تغییر نگاه از مدیریت بحران‌های روزمره به طراحی یک نقشه راه بلندمدت است؛ نقشه‌ای که در آن انرژی نه صرفاً کالایی برای مصرف، بلکه زیرساختی برای تولید، صادرات و قدرت اقتصادی کشور باشد.

از سوی رئیس انجمن صنفی کارگران عنوان شد

شورای عالی اشتغال در انتظار تشکیل جلسه

شورای عالی اشتغال در حالی همچنان در انتظار تشکیل جلسه است که طبق قانون باید حداقل هر شش ماه یکبار تشکیل شود؛ موضوعی که با توجه به شرایط بازار کار و ضرورت هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف، اهمیت این شورا در سیاست‌گذاری اشتغال را دوچندان کرده است.

شورای عالی اشتغال که بر اساس قانون باید حداقل هر شش ماه یک بار تشکیل شود، مدت زیادی است جلسه‌ای برگزار نکرده و در حالی همچنان خبری از تشکیل جلسه این شورا نیست که موضوع اشتغال و سیاست‌گذاری برای بازار کار، در شرایط فعلی کشور نیازمند هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف است.

فاطمه محمدیان - رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران - درباره علت برگزار نشدن جلسات شورای عالی اشتغال به ایسنا گفت: فکر نمی‌کنم مانع یا دلیل خاصی وجود داشته باشد، اما معمولاً شورای عالی اشتغال جلسات منظمی ندارد و تعداد جلسات آن در طول سال بسیار کمتر از شورای عالی کار است. معمولاً تشکیل جلسات شورای عالی اشتغال با دستور وزیر کار پیگیری می‌شود و با توجه به شرایط فعلی، اطلاعات دقیقی درباره دلیل برگزار نشدن جلسه ندارم و نمی‌دانم دلیل فنی یا تخصصی آن چیست.

وی درباره اینکه آیا برگزار نشدن این جلسات می‌تواند به حوزه اشتغال آسیب بزند، تصریح کرد: طبیعتاً برگزار نشدن جلسات و مطرح نشدن مسائل مربوط به حوزه اشتغال می‌تواند آسیب‌زا باشد، اما در حال حاضر حساسیت تشکل‌های کارگری نسبت به جلسات شورای عالی کار بیشتر است. طبق قانون، شورای عالی اشتغال باید هر شش ماه یک بار تشکیل شود و در سال دو جلسه داشته باشد. من در دوره گذشته عضو این شورا نبودم و درباره زمان دقیق آخرین جلسه اطلاع ندارم، اما به نظر می‌رسد شش ماه گذشته و این شورا باید تشکیل شود.

او یکی از ضعف‌های احتمالی شورای عالی اشتغال را نحوه مشارکت نمایندگان دانست و توضیح داد: شاید در مصوبات، مشارکت واقعی نمایندگان به اندازه کافی وجود نداشته باشد یا به جای اینکه از شورا به عنوان یک مرجع سیاست‌گذاری استفاده شود، یک دستگاه یا مرجع سیاست‌گذار در جلسه گزارش ارائه دهد.

شورای عالی کار و شورای عالی اشتغال دو نهاد متفاوت با وظایف جداگانه هستند. شورای عالی کار بیشتر بر روابط کار، مسائل کارگران و کارفرمایان، حداقل مزد و تصمیمات مرتبط با حقوق و شرایط کار تمرکز دارد و ساختار آن بر پایه سه‌جانبه‌گرایی دولت، کارگران و کارفرمایان است. در مقابل، شورای عالی اشتغال وظیفه سیاست‌گذاری و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف در حوزه اشتغال، بازار کار، ایجاد و تثبیت فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری را بر عهده دارد و ریاست آن با رئیس جمهور است.

محمدیان با تأکید بر اهمیت شورای عالی کار در حوزه معیشت کارگران گفت: تمرکز بیشتر تشکل‌های کارگری بر شورای عالی کار است، چراکه موضوعاتی مانند مزد و سبد معیشت در این شورا پیگیری می‌شود، با این حال شورای عالی اشتغال نیز باید نقش خود را در سیاست‌گذاری حوزه اشتغال ایفا کند و اهمیت زیادی دار

اخبـــار

پایان بنزین بی‌هویت

سهم ۳۵ درصدی کارت‌های اضطراری از مصرف بنزین، این بستر را به کانون ناترازی و قاچاق بدل کرده که تنها با شناسه‌دار شدن تراکنش‌ها مهار می‌شود. به گزارش مهر، ناترازی بنزین در ماه‌های اخیر وارد فاز حساسی شده است. در شرایطی که میانگین مصرف روزانه بنزین در کشور از مرز ۱۳۰ میلیون لیتر گذشته و پالایشگاه‌های داخلی توان تولید روزانه‌ای نزدیک به ۱۲۰ تا ۱۲۲ میلیون لیتر دارند، شکاف ۱۰ تا ۱۵ میلیون لیتری میان تولید و مصرف، دولت را ناچار به تخصیص منابع ارزی سنگین برای جبران این کسری کرده است. با وجود قوانین بالادستی و احکام تکلیفی در قوانین بودجه مبنی بر لزوم سوخت‌گیری بیش از ۹۰ درصد خودروها با استفاده از کارت سوخت شخصی، داده‌های میدانی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مصرف روزانه بنزین همچنان از طریق «کارت‌های اضطراری جایگاه‌داران» انجام می‌شود. این کارت‌ها به دلیل بی‌نام‌ونشان بودن و عدم اتصال به هویت مالک یا خودرو، عملاً به پاشنه‌آشیل سامانه هوشمند سوخت بدل شده‌اند و زمینه انحراف و سوءاستفاده‌های گسترده را فراهم کرده‌اند. بررسی ترکیب تراکنش‌های نازل‌ها نشان می‌دهد کارت اضطراری جایگاه که در اصل برای شرایط استثنایی نظیر مفقودی کارت شخصی یا خودروهای نوپلاک طراحی شده بود، به گزینه دم‌دستی و پیش‌فرض بخش بزرگی از رانندگان تبدیل شده است. سهم حدود ۳۵ درصدی کارت جایگاه‌ها از کل مصرف بنزین کشور به معنای آن است که روزانه ده‌ها میلیون لیتر سوخت یارانه‌ای در بستری «کور» و غیرقابل رهگیری میان مصرف‌کنندگان توزیع می‌شود. در این فرایند، سامانه هوشمند صرفاً ثبت می‌کند که مقداری بنزین از یک نازل مشخص خارج شده، اما هیچ داده‌ای از این‌که این بنزین وارد باک کدام خودرو با چه پلاکی شده یا راننده آن چه کسی بوده، در دست نیست. این فقدان شفافیت، دست دلالان سوخت و قاچاقچیان را باز گذاشته است. در استان‌های مرزی و حتی محورهای مواصلاتی کلان‌شهرها، خودروهای موسوم به شوتی و دلالان سوخت با سوءاستفاده از کارت‌های آزاد جایگاه و انجام تراکنش‌های مکرر در فواصل زمانی کوتاه، حجم عظیمی از بنزین یارانه‌ای را جمع‌آوری و به خارج از مرزها هدایت می‌کنند. تجربه محدودسازی کارت‌های اضطراری در برخی مناطق مرزی که به افت ۱۵ درصدی مصرف سوخت انجامید، نشان داد بخش مهمی از رشد تقاضا در این مناطق ریشه در انحراف سوخت از طریق کارت‌های بی‌نام دارد، نه مصرف واقعی ناوگان حمل‌ونقل.

کارت جایگاه بدون هویت

رضا صادقی، کارشناس ارشد اقتصاد انرژی، در گفت‌وگویی با تاکید بر لزوم بازنگری فوری در سازوکار توزیع سوخت آزاد اظهار داشت: «مشکل اصلی بنزین در ایران، پیش از آن‌که صرفاً یک مسئله قیمتی باشد، ناشی از شکست کامل حکمرانی داده در حلقه نهایی زنجیره توزیع است.

وقتی بیش از یک سوم بنزین کشور بدون اتصال به کدملی یا پلاک خودرو توزیع می‌شود، عملاً امکان تفکیک مصرف واقعی از قاچاق و رفتارهای غیرعادی از بین می‌رود. در واقع، کارت جایگاه با شکل فعلی، یک کارت پرداخت بی‌نام است که بستر بسیار امنی برای سودجویان ایجاد کرده است.» صادقی در ادامه افزود: «تداوم توزیع سوخت از طریق کارت‌های آزاد فاقد شناسه، نه تنها منابع ملی را هدر می‌دهد، بلکه سیاست‌های بهینه‌سازی را نیز عقیم می‌کند. تا زمانی که دارنده خودرو بداند بدون هیچ محدودیت یا هزینه‌ای می‌تواند در هر نوبت به پمپ بنزین رفته و از کارت جایگاه استفاده کند، انگیزه‌ای برای درخواست کارت سوخت شخصی، اصلاح الگوی رانندگی یا نگهداری منظم خودرو نخواهد داشت. شناسه‌دار کردن تراکنش‌های جایگاه‌دار اولین و حیاتی‌ترین گام غیرقیمتی برای بازگرداندن نظم به سامانه سوخت و بستن گلوگاه‌های انحراف است.»

سازوکار شفافیت

مطالبه کارشناسان و ناظران اقتصادی برای شناسه‌دار کردن کارت جایگاه، به معنای حذف سهمیه اضطراری یا ایجاد صف در پمپ بنزین‌ها نیست، بلکه تمرکز آن بر «احراز هویت تراکنش» است. بر اساس راهکارهای فناورانه‌ای که در دستور کار دستگاه‌های متولی قرار گرفته، سوخت‌گیری آزاد باید از حالت فله‌ای خارج شده و با بهره‌گیری از زیرساخت‌های موجود کشور نظیر سامانه شتاب و سامانه احراز هویت «مانا» اجرا شود. در این الگو، راننده‌ای که به هر دلیل کارت سوخت شخصی به همراه ندارد، هنگام مراجعه به جایگاه، با کشیدن کارت بانکی خود در دستگاه پرداخت نازل، احراز هویت می‌شود.